

## قانون مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان و حقوق بین‌الملل دریا: ارزیابی سازگاری‌ها و نارسایی‌ها در آینه تحولات امروزی حقوق بین‌الملل دریا

سید ضیاء‌الدین مدنی

استادیار گروه حقوق و مطالعات راهبردی، پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی، استان تهران، تهران، پست الکترونیکی: z.madani@inio.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۲۸

\* نویسنده مسوول

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۲۵

© نشریه علمی - پژوهشی اقیانوس‌شناسی ۱۳۹۴، تمامی حقوق این اثر متعلق به نشریه اقیانوس‌شناسی است.

### چکیده

ج. ا. ایران عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریا نیست، اما قانون مناطق دریایی کشورمان در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲ خورشیدی با الگوی این کنوانسیون تهیه شده است و قانون مزبور در بسیاری از مقررات، سازگاری کامل یا نسبی با مفاد کنوانسیون مزبور دارد. این قانون مصوب مجلس شورای اسلامی یکی از نقاط عطف قانون‌گذاری کشورمان به شمار می‌رود از این حیث که با وصف عدم عضویت کشورمان در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریا، بسیار مترقیانه و سازگار با مقررات بین‌المللی تدوین یافته است. در این مقاله به بررسی و واکاوی مفاد این سند حقوقی دریایی در آینه مقررات و موازین امروزی حقوق بین‌الملل دریا پرداخته شده است، از این حیث که در چه سطح و به چه میزانی با موازین بین‌المللی سازگاری داشته و یا در کدام موارد سازگاری کمتر و بیشتر قابل مشاهده است. این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و میدانی به انجام رسیده است در نهایت به این نتیجه نایل آمده است که مفاد قانون پیش‌گفته در بسیاری از موارد با اندراج عینی یا تحت‌اللفظی از مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریا تکوین یافته و در مواردی با حفظ همان منطوق و مفهوم با تغییرات اندکی در واژه‌پردازی یا بومی‌سازی مفاد ملاک عمل مقنن ایرانی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: حقوق بین‌الملل دریا، قانون مناطق دریایی ج.ا. ایران در خلیج فارس و دریای عمان، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، تحقیقات علمی دریایی، تحولات حقوق دریا.

### ۱. مقدمه

عرصه وجود دارد. اهمیت، جذابیت و ظرفیت‌های کم‌نظیر نهفته در مناطق دریایی و سواحل کشورها، برای جامعه بین‌المللی غیرقابل انکار است. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا را باید مجموعه واحدی به‌شمار آورد که مقررات آن به یکدیگر پیوند خورده‌اند. این کنوانسیون را شاید بتوان یکی از نقاط عطف قانون‌گذاری

دریاها و سواحل در دنیای کنونی به صحنه رقابت بیش از پیش کشورها برای حرکت پرشتاب در مسیر توسعه بدل شده‌اند. دلیل این رقابت پرشتاب، ظرفیت‌های کم‌نظیری است که در این

## ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریا

در ۳۱ فروردین ماه ۱۳۷۲ قانون مناطق دریایی ج.ا. ایران در خلیج فارس و دریای عمان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. هدف از تصویب این قانون تمرکز مقررات پراکنده مربوط به مناطق دریایی ایران، هماهنگی و تطبیق آن با کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ حقوق دریا و همچنین تغییر برخی مقررات قبلی در این زمینه بود (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۷۵). بررسی مسایل حقوقی مربوط به قوانین مناطق دریایی کشور با شناخت نقاط ضعف و قوت قانون مذکور و تطابق یا عدم تطابق آن با اصول و موازین حقوق بین‌الملل دریا، موجب می‌شود در مواقع لزوم بتوان از حقوق مشروع کشور در مناطق مختلف دریایی در خلیج فارس مانند آب‌های داخلی، دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره دفاع کرد.

با وجود آن‌که ایران عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا نیست، اما قانون مناطق دریایی این کشور، مانند برخی دیگر از دولت‌های غیرعضو با الگوی این کنوانسیون تهیه شده است و همان‌طور که در همین مقاله آمده است، قانون مزبور در بسیاری از مقررات، سازگاری کامل با مفاد کنوانسیون مزبور دارد. وضعیت در مورد بسیاری از قوانین دریایی دولت غیرعضو دیگر یعنی ایالات متحده امریکا نیز به همین ترتیب است. در ادامه به مقایسه قانون مناطق دریایی ج.ا. ایران مصوب ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی با کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا پرداخته شده است.

### ۲-۱ دریای سرزمینی

مطابق اصول و مقررات حقوق بین‌الملل دریا، منظور از آب‌های تحت حاکمیت آب‌هایی هستند که جز قلمرو سرزمینی یک کشور محسوب شده و دولت ساحلی می‌تواند حاکمیت خودش را بر آن‌ها مانند قلمرو خشکی اعمال کند. بر اساس ماده ۱ قانون مناطق دریایی ج.ا. ایران «ایران خارج از قلمرو خشکی و آب‌های داخلی و جزایر خود در خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان بر منطقه‌ای از آب‌های متصل به خط مبدا که دریای سرزمینی نامیده می‌شود نیز حاکمیت دارد». در چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، ماده ۸ کنوانسیون اشعار می‌دارد که آب‌های واقع در سمت خشکی، خط مبدا دریای سرزمینی آب‌های داخلی کشور را تشکیل می‌دهند. در ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۸۲

بین‌المللی در قرن بیستم قلمداد نمود. بسیاری از جنبه‌های کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا به یکدیگر مرتبط بوده و قالب یک سند یکپارچه را به خود گرفته‌اند (Long, 2007). نخستین قانون مناطق دریایی در کشور ما نیز در ۲۴ تیرماه ۱۳۱۳ خورشیدی تحت عنوان «قانون تعیین حدود آب‌های ساحلی و منطقه نظارت دولت در دریاها» به تصویب مجلس شورای ملی رسید. دومین قانون کشورمان در این زمینه نیز با عنوان «قانون اصلاح قانون تعیین حدود آب‌های ساحلی و منطقه نظارت ایران مصوب تیرماه ۱۳۱۳» در فروردین ماه ۱۳۳۸ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. در نهایت، قانون مناطق دریایی ج.ا. ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۳۱ فروردین ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی جایگزین قوانین پیش‌گفته شده است و همچنان مهم‌ترین قانونی است که در آن دو پهنه آبی وضعیت مناطق دریایی کشور را تعیین تکلیف نموده است.<sup>۱</sup> قانون مناطق دریایی ج.ا. ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲ در نوع خود دارای ویژگی‌هایی است که توانسته است به‌رغم عدم عضویت ایران در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا تاکنون، به عنوان یکی از منابع فرعی حقوق بین‌الملل (در چارچوب عملکرد دولت که دارای آثار بین‌المللی است) کمابیش نارسایی‌های این عدم عضویت کشورمان به «قانون اساسی دریاها و اقیانوس‌ها» را هرچند به‌طور نه چندان ایده‌آل برطرف نماید. بنابراین بررسی تطبیقی مواد مندرج در قانون مناطق دریایی ج.ا. ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲ با موازین کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا موجب شناخت نقاط قوت و ضعف قانون مذکور و یا مشخص شدن تطبیق یا عدم تطبیق آن با این کنوانسیون می‌شود. از این رو در این مقاله سعی شده است سازگاری قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲ با موازین حقوق بین‌الملل دریا مورد ارزیابی قرار بگیرد.

### ۲-۲ بررسی سازگاری قانون مناطق دریایی ج.ا. ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲ با کنوانسیون

<sup>۱</sup> شایان ذکر است که در سال ۱۳۵۲ خورشیدی تصویب‌نامه‌ای درباره خط مبدا آب‌های داخلی و سرزمینی ایران به تصویب هیات وزیران می‌رسد که در قانون سال ۱۳۷۲ مصوب مجلس شورای اسلامی نیز مورد اشاره و استناد قرار گرفته است. افزون بر این، از زمان تصویب قانون مناطق دریایی در سال ۱۳۷۲ تاکنون، مقررات دیگری نیز در قالب آیین‌نامه‌های اجرایی و غیره به مانند آیین‌نامه احداث و استفاده از تاسیسات در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران در خلیج فارس و دریای عمان (مصوب ۱۳۷۵/۹/۲۸ هیئت وزیران) وجود دارند که حسب مورد برای تدقیق در مفاد قانون مزبور باید به آن‌ها مراجعه نمود.

ایران تهیه شده و در قانون اخیر ملاک فاصله میان جزایر هماهنگ با گستره عرضی دریای سرزمینی تعیین یافته است. بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده، ماده ۳ قانون مناطق دریایی ایران مصوب ۱۳۷۲ مغایرتی با کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا در زمینه خط مبدا ندارد.

بر اساس ماده ۱۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، در جایی که سواحل دو کشور مقابل یا مجاور یکدیگرند، حدود دریای سرزمینی از طریق خط منصف تعیین می‌شود. خط منصف خطی است که هر نقطه آن از نزدیک‌ترین نقطه روی خطوط مبدائی که عرض دریای سرزمینی دو کشور از آنجا اندازه‌گیری می‌شوند، به یک فاصله باشد. از طرفی در ماده ۴ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران در مواردی که دریای سرزمینی ایران با دریای سرزمینی دولت‌های مجاور یا مقابل تداخل پیدا کند مادامی که ترتیب دیگری بین طرفین توافق نشده باشد، حد فاصل بین دریای سرزمینی ایران و آن کشور خط منصفی است که کلیه نقاط آن از نزدیک‌ترین نقاط خطوط مبدا طرفین به یک فاصله باشد. بنابراین بر اساس ماده ۴ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران، اگر دریای سرزمینی یک کشوری با دریای سرزمینی کشور مجاور یا مقابل تداخل داشته باشد دو راه وجود دارد، یا باید به توافقی برای حل این مسئله برسند و یا خط منصف را معیار حل آن قرار دهند.

از مباحث کلیدی در منطقه دریای سرزمینی و به‌ویژه، از مصادیق اعمال صلاحیت دولت ساحلی در این منطقه، بحث عبور بی‌ضرر است. ماده ۱۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا حق عبور بی‌ضرر را برای تمامی دولت‌ها به رسمیت می‌شناسد. در صدر بخش دوم، قسمت ۳، زیر بخش الف، کنوانسیون حاوی یک مقرره صریح است که حق عبور بی‌ضرر را متعلق به تمامی دولت‌ها می‌داند. این حق به‌طور کلی به‌عنوان یک حق ناشی از حقوق عرفی مورد پذیرش قرار گرفته است. هرچند، هنوز هیچ توافق جهانی مبنی بر چیستی و حدود و ثغور این حق وجود ندارد (Nordquist, 2002a). توسل و استناد کلی کشتی‌ها به این حق محل بحث است، بدین ترتیب که برخی دولت‌ها این حق را به‌طور نامحدود برای تمامی کشتی‌ها قایل نیستند و به‌طور مثال در مورد کشتی‌های جنگی، کسب اجازه یا مجوز قبلی را ضروری می‌دانند. گرچه این عملکرد از سوی بسیاری از دولت‌های

حقوق دریا، حاکمیت یک کشور ساحلی علاوه بر قلمرو زمینی و آب‌های داخلی آن بر آب‌های سرزمینی نیز تسری می‌یابد. این حاکمیت بر فضای بالا، بستر و زیر بستر دریای سرزمینی اعمال می‌شود. تعیین محتوای دقیق این اقتدار حاکمیتی به تفسیر دولت ساحلی از حاکمیت، از طریق حقوق داخلی وی وانهاده شده است. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا به نظر می‌رسد که اجازه تفسیر حداکثری از مفهوم حاکمیت را به دولت‌ها می‌دهد. اعمال صلاحیت توسط دولت ساحلی در دریای سرزمینی، اگرچه منوط به حق عبور بی‌ضرر دولت‌های صاحب پرچم است، با این حال تحت شعبات همین رژیم است (Nordquist, 2002a).

بنابراین با توجه به موارد مذکور، ماده ۱ قانون مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان، کمابیش به‌طور کامل از ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا در باب حاکمیت در دریای سرزمینی اقتباس شده است. البته باید به این نکته توجه داشت که در ماده ۱ قانون مناطق دریایی تصریح شده است، ایران بر تنگه هرمز حاکمیت دارد، به عبارتی تا مسافت ۱۲ مایلی از ساحل این تنگه بخشی از آب‌های سرزمینی ایران است و بنابراین اصل عبور بی‌ضرر (نه عبور ترانزیت) بر آن حاکم خواهد شد و بنابر اصل عبور بی‌ضرر، دولت ساحلی براساس ماده ۱۹ کنوانسیون می‌تواند چنانچه عبور کشتی خارجی موجب نقض صلح و امنیت دولت ساحلی شود، عبور بی‌ضرر تلقی ننموده و عبور و مرور کشتی‌ها را به‌طور موقت در بخشی از دریای سرزمینی متوقف نماید.

در قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران، در ترسیم خط مبدا تلاش شده است معیارهایی که اهمیت بین‌المللی دارند و بعداً در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا ذکر شده‌اند مورد استفاده قرار گیرند. یکی از آن‌ها ترسیم خطوط مبدا مستقیم به شکلی است که به میزان قابل توجهی از جهت کلی ساحل دور نشوند (بر اساس بند ۳ ماده ۷ کنوانسیون حقوق دریا) و به این نکته نیز توجه شده است که در ترسیم خطوط مبدا مستقیم کشورهای ساحلی می‌توانند منافع اقتصادی وابسته به منطقه را مدنظر قرار دهند. شایان ذکر است اعلام آب‌های میان دو جزیره که فاصله آن‌ها از ۲۴ مایل دریایی کمتر است به عنوان آب‌های داخلی، به قانون آب‌های داخلی و منطقه مجاور ایران مصوب ۲۴ تیر ۱۳۱۳ (جولای ۱۹۳۴) و اصلاحیه ۲۲ فروردین ۱۳۳۸ (۱۱ آوریل ۱۹۵۹) اشاره شود که برطبق آن‌ها قواعد مشابهی در رابطه با جزایر متعلق به

<sup>۴</sup> بنگرید به تفسیر ماده ۱۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در جلد دوم از منبع ذیل:

- M. H. Nordquist and others, editors, UNCLOS: A Commentary, Articles 1 to 85, Annexes I and II, Final Act, Annex II, vol. II, Article 17.

<sup>۱</sup> بنگرید به تفسیر مواد ۱۷ تا ۳۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در جلد دوم منبع ذیل:

- M. H. Nordquist, Ibid. vol. II, Articles 1 to 132.

بند ۲ پاراگراف (ی)» شود، به جز درحالی که دولت ساحلی به‌طور کلی آن نوع خاص از تحقیقات را در قانون یا مقررات داخلی خود معاف نموده باشد. اما این حالت، متفاوت از حالت دیگری است که در آن کشتی با اجازه مقامات دولت ساحلی مبادرت به انجام تحقیقات علمی دریایی می‌نماید.

وفق ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، حاکمیت یک کشور ساحلی بر دریای سرزمینی تصریح می‌شود، بنابراین صلاحیت قانون‌گذاری در دریای سرزمینی با توجه به حق حاکمیت دولت ساحلی در این منطقه، اعمال می‌شود. همچنین با توجه به ماده ۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، صلاحیت قانون‌گذاری از طریق این کنوانسیون به دولت ساحلی در دریای سرزمینی اعطا می‌شود. از طرفی قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران، ماده‌ی ۷ بیان می‌کند «به منظور حفظ مصالح کشور و حسن اجرای عبور بی‌ضرر، دولت ایران بر حسب مورد مقررات ضروری دیگر را وضع خواهد کرد». بنابراین ماده ۷ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران در رابطه با صلاحیت قانون‌گذاری با کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا ۱۹۸۲ تطابق دارد.

با توجه به بند ۱ ماده ۲۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، «کشور ساحلی می‌تواند در دریای سرزمینی خود برای جلوگیری از عبوری که بی‌ضرر نباشد، اقدامات لازم را به عمل آورد». با توجه به اینکه کشور ساحلی در دریای سرزمینی خود حق حاکمیت و صلاحیت قانون‌گذاری در رابطه با عبور بی‌ضرر دارد، در صورتی - که عبوری از جانب دولت ساحلی بی‌ضرر تلقی نشود، دولت ساحلی می‌تواند اقداماتی از جمله تعلیق عبور بی‌ضرر را انجام دهد. از طرفی، با توجه به ماده ۸ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران «دولت ایران به منظور دفاع از امنیت و بنا به مصالح عالی عبور و توقیف کلیه شناورهای خارجی را در قسمت‌هایی از دریای سرزمینی به حالت تعلیق درآورد». بنابراین ماده ۸ قانون مناطق دریایی ایران درباره تعلیق عبور بی‌ضرر به‌صورت تحت‌اللفظی از بند ۳ ماده ۲۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا الهام گرفته است، با این تفاوت که عبارت «بدون تبعیض در شکل یا محتوا میان کشتی‌های خارجی» از آن حذف گردیده، قید «بنا به مصالح عالی کشور ایران» بدان افزوده شده، و نیز قید لزوم اعلان قبلی را نیز در خود ندارد. تدوین‌کنندگان قانون مزبور، همان هدف و فلسفه وجودی از درج بند ۳ ماده ۲۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا را، دلیل درج ماده ۸ در قانون مناطق دریایی ایران عنوان می‌کنند که همانا حفظ امنیت و ایمنی است مانند هنگامی که نیروی دریایی

دریانورد مورد اعتراض واقع شده است، با این حال این واقعیت همچنان پابرجاست که حتی پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا در سال ۱۹۹۴، چارچوب دقیق عبور بی‌ضرر به نظر همچنان محل اختلاف و معرکه آراست.

از طرفی در ماده ۵ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران، عبور شناورهای خارجی به استثناء موارد مندرج در ماده (۹) - از دریای سرزمینی ایران مادامی که محل نظم، آرامش و امنیت کشور نباشد تابع اصل عبور بی‌ضرر است و بنابراین به‌صورت تحت‌اللفظی از ماده ۱۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا الهام گرفته است، جز آن‌که واژه «حق» را در هیچ کجا (یعنی مواد ۵ الی ۹ که مربوط به عبور بی‌ضرر هستند) پیش از «عبور بی‌ضرر» به کار نبرده است.

برای این‌که یک کشتی بتواند از حق عبور بی‌ضرر در دریای سرزمینی بهره‌مند گردد، آن‌چنان که در بند ۲ ماده ۱۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا آمده است، لازم است شرایط خاصی را رعایت نماید. در صورتی که شرایط تصریح شده در بند ۲ ماده ۱۹ رعایت نشود، عبور، صفت بی‌ضرر بودن خود را از دست داده و به کشور ساحلی این امکان را می‌دهد که از عبور جلوگیری کند (ماده ۱۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها). با توجه به شرایط مطرح شده در بند ۲ ماده ۱۹، به نظر می‌رسد این فعالیت‌ها به جز ماهی‌گیری و آلودگی به طور مستقیم یا غیر مستقیم در رابطه با امنیت دولت ساحلی است. ماده مذکور، هم ماهی‌گیری و هم فعالیت‌های تحقیقاتی یا نقشه‌برداری را مورد اشاره قرار داده است و این فعالیت‌ها را در تنافی با صلح، نظم عمومی، یا امنیت قلمداد نموده است، و از همین‌رو، عبوری که فعالیت‌های مزبور را در پی داشته باشد، «غیربی‌ضرر» اطلاق می‌نماید. از این ماده می‌توان چنین برداشت نمود که با تور ماهی‌گیری و تجهیزات تحقیقاتی به‌طور یکسان رفتار شده است، آن‌هم بدین دلیل که آن‌ها پیش‌نیاز هر یک از فعالیت‌های مربوطه خود (یعنی به ترتیب ماهی‌گیری و فعالیت تحقیقات علمی دریایی) خواهند بود. بر همین اساس دولت‌های ساحلی هم قواعد مشابهی را برای هر دو تجویز می‌نمایند.

در رابطه با پاراگراف (ی) بند ۲ ماده ۱۹، انجام فعالیت‌های تحقیقاتی میدانی یا تحلیلی در زمره عوامل غیر بی‌ضرر کننده عبور قرار می‌گیرد که محل صلح، نظم عمومی و یا امنیت کشور ساحلی قلمداد خواهد شد. به عبارتی یک کشتی که در حال انجام تحقیقات علمی در هنگام عبور از دریای سرزمینی است، نمی‌تواند مدعی اعمال حق عبور بی‌ضرر (به دلیل نقض ماده ۱۹

تحرکات آن‌ها را بهتر زیر نظر بگیرد. این شیوه به طور کامل نگرانی‌های آن دسته از دولت‌هایی را برطرف می‌کند که با داشتن سواحل طولانی، وسایل لازم و کافی برای نظارت و مراقبت از مناطق دریایی تحت حاکمیت خود در اختیار ندارند (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۷۵). با توجه به اینکه در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا لزوم کسب اجازه برای عبور شناورهای جنگی از آب‌های سرزمینی مطرح نشده است و در عین حال با توجه به ماده‌ی ۹ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران که عبور شناورهای جنگی از دریای سرزمینی منوط به موافقت قبلی مقامات صالحه ایران است، این بخش از قانون مناطق دریایی ایران با متن کنوانسیون مطابقت ندارد.

#### ب- زیردریایی‌ها و سایر وسایل نقلیه زیردریایی

در رابطه با زیردریایی‌ها و سایر وسایل نقلیه زیردریایی در ماده ۲۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا مطرح شده است که «باید بر سطح آب حرکت کرده و پرچم خود را به اهتزاز درآورند» و در قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران علاوه بر شرط فوق، عبور این زیردریایی‌ها را منوط به موافقت قبلی مقامات صالحه ایران می‌داند؛ بنابراین در رابطه با حرکت این وسایل نقلیه در سطح آب و با پرچم برافراشته، قانون مناطق دریایی با کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا مطابقت می‌کند اما در رابطه با کسب موافقت قبلی مقامات کشور ساحلی، قانون مناطق دریایی ایران با کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا سازگار نیست.

#### ج- کشتی‌های با سوخت هسته‌ای و حامل مواد خطرناک

در رابطه با شناورهای با سوخت هسته‌ای، هر نوع وسیله غوطه ور دیگر و همچنین شناورها و زیردریایی‌های حامل مواد خطرناک یا مضر، در ماده ۲۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا آمده است این کشتی‌ها باید مدارک حمل را همراه داشته باشند و مقررات احتیاطی که به موجب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی برای این‌گونه کشتی‌ها وضع شده را رعایت نمایند. همچنین طبق بند ۲ ماده‌ی ۲۲، کشور ساحلی می‌تواند از این کشتی‌ها بخواهد از مسیرهای دریایی مشخصی که در دریای سرزمینی آن تعیین شده است، عبور کنند. بنابراین می‌توان گفت در مورد این شناورها، قانون مناطق دریایی ایران از جامعیت بیشتری برخوردار است و هر یک از شروط مطرح شده در ماده ۲۲ و ۲۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق

ایران مترصد انجام مانور نظامی در دریای سرزمینی خود باشد و در این مانور (به‌طور معمول) قصد تیراندازی و شلیک و کاربرد انواع مهمات و تسلیحات را به اهداف فرضی داشته باشد که این امر برای عبور کشتی‌های خارجی در این مقطع می‌تواند خطرآفرین باشد و از همین‌رو، برای حفظ ایمنی دریانوردی و امنیت آن کشتی‌ها و مصالح کشور، عبور بی‌ضرر در قسمت‌هایی از دریای سرزمینی به حالت تعلیق درخواهد آمد.<sup>۱</sup>

ماده ۹ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران برخی مستثنیات برای عبور بی‌ضرر مطرح نموده است که در ادامه به بررسی هر یک پرداخته می‌شود:

#### الف- کشتی‌های جنگی

بر اساس ماده ۲۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، «کشتی جنگی یعنی کشتی متعلق به نیروهای مسلح یک کشور که در بیرون آن علائم مشخص کننده تابعیت کشتی وجود دارد و...». طبق ماده‌ی ۳۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، دولت ساحلی نمی‌تواند صلاحیت قضایی خود را در مورد کشتی‌های جنگی که قوانین و مقررات عبور بی‌ضرر در دریای سرزمینی را رعایت نمی‌کنند، اجرا نماید و فقط می‌تواند از این کشتی‌ها بخواهد دریای سرزمینی او را ترک کنند. همچنین طبق ماده ۳۱ کنوانسیون، اگر به علت عدم رعایت قوانین و مقررات کشور ساحلی از جانب کشتی جنگی خساراتی به کشور ساحلی وارد شود، کشور صاحب پرچم مسئولیت آن را بر عهده خواهد داشت.

از طرفی در قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران، در ماده ۹ مطرح شده است که عبور شناورهای جنگی از دریای سرزمینی منوط به موافقت قبلی مقامات صالحه ایران خواهد بود. بدون تردید آن دولت ساحلی که مقرراتی درباره عبور شناورهای جنگی بیگانه وضع می‌کند نگران حفظ امنیتش است. دولتی که عبور این شناورها را مشروط به اجازه یا اطلاع قبلی می‌کند، خطر آن را برای امنیت‌اش می‌پذیرد و می‌خواهد با وضع این مقررات قبل از آنکه آن شناور لطمه جدی به امنیت‌اش بزند از عبور آن جلوگیری کند؛ وانگهی از این طریق دولت ساحلی می‌تواند از حضور شناورهای جنگی در دریای سرزمینی خود مطلع شود و

<sup>۱</sup> در خصوص این دیدگاه بنگرید به نظر ممتاز (۱۳۶۸) (به‌عنوان عضو تدوین‌کننده پیش‌نویس این قانون از تاریخ ۱۳۶۴/۷/۷ تا تصویب آن) به ترتیب ذیل:

- جمشید ممتاز، تقریرات کلاسی درس حقوق دریایا، مقطع کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۸۳ - ۸۲ (جزوه نزد نگارنده این مقاله موجود است).

دریا، در صورت لزوم می‌توانند به عنوان شرطی برای موافقت قبلی مقامات صالحه ج. ا. ایران مطرح شوند.

#### د- شناورهای تحقیقاتی<sup>۱</sup>

در مورد شناورهای تحقیقاتی خارجی بر اساس ماده ۲۴۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، «کشورها حق انحصاری برای تنظیم، اجازه و انجام تحقیقات علمی دریایی در دریای سرزمینی خود برخوردارند و تحقیقات دریایی در آنجا فقط با رضایت صریح و تحت شرایط تعیین شده توسط کشور ساحلی انجام خواهد شد.» همچنین در پاراگراف (ی) بند ۲ ماده ۱۹ کنوانسیون، فعالیت‌های تحقیقاتی در دریای سرزمینی غیربی-ضررکننده عبور مطرح شده است (مدنی، ۱۳۹۲ ب).

عدم اعمال کنترل و نظارت توسط دولت ساحلی بر هرگونه فعالیت تحقیقاتی، از جمله اقیانوس‌شناسی عملیاتی، برای دولت ساحلی می‌تواند به مانند تهدیدی در قبال منافع امنیتی و اقتصادی‌اش به‌شمار رود. از همین رو، کلیه پروژه‌های تحقیقاتی در این منطقه باید فرآیند ترخیص و اخذ اجازه را طی کنند. این بدین معنا است که حتی اگر دولت ساحلی مقرره‌ای راجع به تحقیقات عملی در دریای سرزمینی‌اش نداشته باشد، بازهم لازم است برای اعطای آزادی دسترسی به آن منطقه، مکاتبات و ارتباطاتی با متولی پروژه تحقیقاتی صورت پذیرد تا او از این امر آگاهی یابد. زیرا در غیراین صورت او (در صورت نبود مقررات داخلی) مفاد مندرج در ماده ۱۹ و ۲۴۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا را مفروض و لازم‌الاتباع خواهد انگاشت. (مدنی، ۱۳۹۲ الف) همچنین، در صورت نبود تاییدیه دولت ساحلی در این خصوص، فعالیت تحقیقاتی انجامی نقض کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا قلمداد خواهد شد. برعکس، نیاز به رضایت دولت ساحلی، به معنای استنکاف او از اعطای حق دسترسی برای انجام تحقیقات علمی دریایی است؛ به‌دیگر سخن، اگر هیچ ابلاغیه‌ای

از سوی دولت ساحلی به دولت تحقیق‌کننده تسلیم نشود، معنی آن این است که هیچ فعالیت تحقیقاتی نباید انجام شود (Nordquist, 2002b).

از آنجایی که در پاراگراف (ط) ماده ۶ قانون مناطق دریایی انجام هر نوع پژوهش علمی جز شرایط غیربی‌ضرر کننده‌ی عبور مطرح شده است و همچنین در ماده ۹ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران عبور شناورهای تحقیقاتی خارجی از دریای سرزمینی منوط به موافقت قبلی مقامات صالحه ایران است، بنابراین این بخش از قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران با کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا مطابقت می‌کند.

در زمینه صلاحیت کیفری دولت ساحلی در دریای سرزمینی، ماده ۱۰ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران تعقیب، رسیدگی و مجازات جرایم ارتكابی در کشتی‌های در حال عبور از دریای سرزمینی در موارد زیر در صلاحیت مراجع قضایی ایران قلمداد می‌کند، مشروط بر این‌که اثرات و عواقب جرم متوجه ایران گردد؛ یا چنانچه جرم ارتكابی مخل صلح و نظم و آرامش داخلی و یا نظم عمومی دریای سرزمینی باشد؛ یا چنانچه فرمانده کشتی یا نماینده دیپلماتیک یا کنسولی دولت صاحب پرچم کشتی تقاضای کمک و رسیدگی نماید؛ و یا چنانچه رسیدگی و تعقیب برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان ضروری باشد. در باب صلاحیت مدنی دولت ساحلی در دریای سرزمینی نیز ماده ۱۱ قانون مناطق دریایی ایران بیان می‌دارد که مقامات ذی‌صلاح دولت ایران می‌توانند به منظور اجرای قرار تامین و یا احکام محکومیت، نسبت به متوقف کردن تغییر میسر و یا توقیف کشتی و بازداشت سرنشینان آن اقدام نمایند، چنانچه کشتی از آب‌های داخلی ایران خارج و در دریای سرزمینی در حرکت باشد؛ یا کشتی در دریای سرزمینی ایران متوقف باشد؛ و یا کشتی در حال عبور از دریای سرزمینی باشد مشروط بر اینکه منشا قرار تامین و یا حکم محکومیت، تعهدات و یا الزامات ناشی از مسوولیت مدنی همان کشتی باشد.

در بند ۱ ماده ۲۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا آمده است اگر یک کشتی در حال عبور از دریای سرزمینی یک کشور ساحلی باشد، کشور ساحلی نمی‌تواند صلاحیت حقوقی در مورد توقف یا انحراف از مسیر را برای آن کشتی اعمال کند. با توجه به این بند ماده پیش‌گفته، در صورتی که این کشتی متوقف باشد -توقیفی که لازمه دریانوردی عادی نباشد (بند ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق دریا در باب معنای عبور)- بنابراین کشتی در حال عبور

<sup>۱</sup> برای مطالعه مبسوط در خصوص نظام حقوقی ناظر بر شناورهای تحقیقاتی به‌طور کلی، و نیز مفاد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در این خصوص و نیز مقررات قانون مناطق دریایی کشورمان و بسیاری مباحث دیگری در باب مقررات حقوق بین‌الملل دریاها راجع به این دسته شناورها، بنگرید به منبع ذیل:

- مدنی، ۱۳۹۲ الف. حقوق بین‌الملل دریاها و تحقیقات علمی دریایی، تهران: انتشارات پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی، صص. ۲۷۵ به بعد.

همچنین به‌طور اخص برای مطالعه در زمینه نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر تاسیسات تحقیقاتی ثابت و متحرک دریایی بنگرید به:

- مدنی، ۱۳۹۲ ب. رژیم حقوقی بین‌المللی ناظر بر تاسیسات تحقیقاتی ثابت و متحرک دریایی در حقوق بین‌الملل دریاها، مجله علوم و فنون دریایی، دوره ۱۲، شماره ۲، صفحات ۸۰-۶۶

مبدائی که عرض دریای سرزمینی از آنجا اندازه گرفته می‌شود، تجاوز نماید.» بنابراین ماده ۱۲ از قانون مناطق دریایی ایران در رابطه با تعریف منطقه نظارت با کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا سازگار است.

بر اساس حقوق بین‌الملل دریا، منطقه نظارت را نمی‌توان به دریای ساحلی ملحق کرد بلکه جز جداناپذیری از دریای آزاد است (متین دفتری، ۱۳۸۷). جای تردید نیست که کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریا خواسته است منطقه نظارت و دریای ساحلی را از لحاظ حقوقی به کلی تفکیک بنماید. دریای ساحلی تابع حاکمیت کشور ساحلی است و منطقه نظارت به علت اینکه جز دریای آزاد می‌باشد از آن حاکمیت خارج است، بنابراین کشورهای که در قوانین داخلی خود منطقه نظارت را امتداد دریای سرزمینی خود تلقی کنند و در این منطقه مدعی همان حقوق و صلاحیتی که در دریای ساحلی دارند بشوند، عملشان مخالف حقوق بین‌الملل است. براساس ماده ۱۳ قانون مناطق دریایی ایران «به منظور پیشگیری از نقض قوانین و مقررات کشور از جمله مقررات امنیتی، گمرکی، دریایی، مالی، مهاجرتی، بهداشتی، زیست محیطی و تعقیب و مجازات متخلفین، دولت ایران در منطقه نظارت اقدامات لازم را معمول خواهد داشت.» بنابراین ماده ۱۳ قانون مناطق دریایی ایران راجع به صلاحیت مدنی و کیفری در در منطقه نظارت کمابیش به‌طور کامل از ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا الهام گرفته است با این تفاوت که در این ماده از کنوانسیون نقض قوانین و مقررات کشور از جمله مقررات «زیست محیطی» مطرح نشده است و بنابراین در رابطه با این مورد با قانون مناطق دریایی ایران تفاوت دارد.

### ۳-۲ منطقه انحصاری اقتصادی

در ماده ۱۴ قانون ۱۳۷۲ مناطق دریایی ایران، منطقه انحصاری اقتصادی ماورای دریای سرزمینی نامیده می‌شود. در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، رژیم حقوقی منطقه انحصاری اقتصادی را باید نوآوری حاصل از جریان مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریا به حساب آورد. این منطقه، صلاحیت دولت ساحلی را به میزان ۳۷٪ دیگر از مجموع آب‌های اقیانوسی جهان گسترش داد (Pedrozo, 2010). در ماده ۵۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، منطقه انحصاری اقتصادی را محوطه‌ای در آن سو و مجاور دریای سرزمینی معرفی می‌کند، بنابراین به لحاظ تعریف منطقه انحصاری

نبوده و کشور ساحلی می‌تواند اقدامات لازمه را در رابطه با این کشتی انجام دهد بنابراین بند ۱ ماده ۲۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا با پاراگراف (ب) ماده ۱۱ قانون مناطق دریایی ایران مطابقت دارد. مفاد ماده ۱۱ قانون مناطق دریایی ایران با مفاد بند ۵ ماده ۲۷ و ماده ۲۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا سازگار است.

اکنون پرسش دیگری که مطرح می‌شود آن است که تحقق چه شرایطی برای توقف، ورود به کشتی و بازرسی آن ضروری است. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا در ماده ۲۲۰ (بند ۳)، «وجود زمینه‌ها و دلایل آشکار قابل باور» را لازم می‌شمارد، و ماده ۲۲۰ (بند ۶) «وجود دلیل عینی آشکار» را به‌عنوان پیش‌شرط‌های اقدامات اجرایی ضروری قلمداد می‌کند.<sup>۱</sup> در مقابل، در ماده ۲۱۸ (بند ۱)، صرف وجود یک ظن را به نظر کافی می‌داند؛<sup>۲</sup> و ماده ۷۳ (بند ۱)، ضمن سپردن این امر به تصمیم‌گیری دولت ساحلی که آیا توسل به اقدامات اجرایی ضروری است یا خیر، به دولت ساحلی این امکان را می‌دهد که ضروری بودن و اقتضای آن را تشخیص دهد.<sup>۳</sup>

### ۲-۲ منطقه نظارت

منطقه نظارت، منطقه‌ای است به عرض ۲۴ مایل دریایی از خط مبدأ که در آن دولت ساحلی می‌تواند به اعمال قوانین و مقررات خود در رابطه با امور گمرکی، مالی، مهاجرتی و بهداشتی مبادرت ورزد (Reisman et al., 2004). بر اساس ماده ۱۲ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران «منطقه نظارت منطقه‌ای است در مجاورت دریای سرزمینی که حد خارجی آن از خط مبدأ ۲۴ مایل دریایی می‌باشد». در حقوق بین‌الملل دریایی، منطقه نظارت عبارت از فضای دریایی بخشی از دریای آزاد می‌باشد که مجاور و متصل به دریای ساحلی است (متین دفتری، ۱۳۸۷). بند ۱ ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، منطقه نظارت را منطقه‌ای در مجاورت دریای سرزمینی نامیده است، همچنین در بند ۲ ماده‌ی مذکور حدود منطقه نظارت این‌گونه مشخص شده است. «منطقه-ی نظارت یا مجاور نمی‌تواند بیش از ۲۴ مایل دریایی از خط

<sup>۱</sup> بنگرید به بندهای ۳ و ۶ ماده ۲۲۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در باب «اجرای قوانین و مقررات توسط دولت‌های ساحلی».

<sup>۲</sup> بنگرید به بند ۱ ماده ۲۱۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها با عنوان «اجرای قانون توسط کشورهای بندری».

<sup>۳</sup> بنگرید به بند ۱ ماده ۷۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در باب «اجرای قوانین و مقررات دولت ساحلی».

اقتصادی، قانون مناطق دریایی ایران با کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا سازگار است. همچنین در ماده ۵۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، تصریح شده است «منطقه انحصاری اقتصادی بیش از ۲۰۰ مایل دریایی از خطوط مبدائی که وسعت دریای سرزمینی از آن‌ها اندازه گرفته می‌شود، امتداد نخواهد یافت.» اما در قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران درباره وسعت منطقه انحصاری اقتصادی اشاره‌ای نشده است، بنابراین آن را می‌توان تفاوتی میان این دو و به عنوان نقصی برای قانون مناطق دریایی ایران در نظر گرفت.

همچنین، در ماده ۱۵ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران، فلات قاره دنباله طبیعی قلمرو خشکی و شامل بستر و زیر بستر مناطق دریایی مجاور و ماورای دریای سرزمینی ایران است. در حقوق بین‌الملل دریا فلات قاره، در مقابل منطقه انحصاری اقتصادی که نوآوری کنفرانس سوم ملل متحد برای حقوق دریا بود، تاریخیچه‌ای طولانی‌تر دارد و به زمان اعلامیه ترومن به سال ۱۹۴۵ بازمی‌گردد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۴). بر اساس ماده ۱۴ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران حقوق حاکمه و صلاحیت ایران در ماورای دریای سرزمینی که منطقه انحصاری اقتصادی نامیده می‌شود به‌طور انحصاری در اکتشاف و بهره‌برداری و حفاظت و اداره منابع طبیعی جاندار و بی‌جان بستر و زیر بستر دریا و آب-های روی آن و انجام سایر فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با بهره‌برداری از آب، باد و جریان‌های دریایی جهت تولید انرژی است. همچنین، وضع و اجرای قوانین و مقررات مناسب به ویژه در زمینه فعالیت‌های احداث و استفاده از جزایر مصنوعی و سایر تاسیس و بناها و تعبیه کابل و لوله‌های زیر دریایی و تعیین حریم‌های امنیتی و ایمنی مربوط، انجام هر گونه پژوهش، حفاظت و حمایت از محیط زیست دریایی، و در نهایت، اعمال حقوق حاکمه که به موجب معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای تفویض شده است در زمره حقوق کشور در این مناطق به شمار می‌روند.

وضعیت ویژه منطقه انحصاری اقتصادی در این واقعیت متجلی است که در ماده ۵۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، از آن به‌عنوان منطقه‌ای منحصر به فرد با رژیم حقوقی خاص یاد شده است<sup>۱</sup> و در ماده ۵۹ این کنوانسیون نیز درخصوص حل و فصل اختلافات در موارد خاصی، رژیم منحصر به فردی برای آن تجویز

شده است.<sup>۲</sup> ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا در باب حقوق، صلاحیت و تکالیف دولت ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی، منعکس‌کننده یک تعارض مهم است. این تعارض میان منافع دسترسی حداکثری قدرت‌های دریایی بزرگ به مناطق دریایی، در مقابل منافع (اقتصادی) دولت‌های ساحلی است.<sup>۳</sup> حقوق حاکمیتی نسبت به منابع زنده و غیرزنده، و نیز صلاحیت انحصاری نسبت به فعالیت‌های اقتصادی، در دست دولت‌های ساحلی باقی ماند؛ این در حالی بود که سایر فعالیت‌ها باید تحت شاخه‌های حقوقی مُجری در دریای آزاد قرار گیرند (Kelly, 2007). ماده ۱۴ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران در باب منطقه انحصاری اقتصادی از ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا اقتباس یافته است، با این تفاوت که در پاراگراف ۲ بند (ب) ماده ۱۴ عبارت «انجام هرگونه پژوهش» لحاظ گردیده است که به‌نظر می‌رسد بسیار جامع‌تر و موسع‌تر از عبارت مندرج در شق ۲ بند (ب) پاراگراف ۱ ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا باشد که تنها سخن از «تحقیقات علمی دریایی» به میان آورده است.

بر اساس مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، روشن است که رضایت دولت ساحلی برای انجام فعالیت‌هایی از قبیل تحقیقات علمی دریایی و تحقیقات میدانی در منطقه انحصاری اقتصادی، به مانند دریای سرزمینی، آب‌های مجمع‌الجزایری، و نیز انجام فعالیت‌های تحقیقات علمی دریایی و تحقیقات میدانی در تنگه‌های بین‌المللی و مسیرهای دریای مجمع‌الجزایری ضرورت دارد. هرچند، برخی نویسندگان رضایت دولت ساحلی برای فعالیت‌های تحقیقات میدانی، از جمله تحقیقات آب‌شناسی و تحقیقات نظامی اقیانوس‌شناسی، در منطقه انحصاری اقتصادی را غیرضروری می‌دانند (Pedrozo, 2010). آنان این فعالیت‌ها را هم-چنان در شمار آزادی‌های دریای آزاد به حساب می‌آورند که می-توانند آزادانه در منطقه انحصاری اقتصادی، بدون هیچ‌گونه دخالتی از ناحیه دولت ساحلی، وفق ماده ۵۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا به انجام رسانند.

صلاحیت نسبت به تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی، مانند صلاحیت در دریای سرزمینی، انحصاری نیست. شاید بتوان آن را دارای ویژگی انحصاری از این

<sup>۲</sup> بنگرید به ماده ۵۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها با عنوان «مبنای حل و فصل اختلافات راجع به اعطای حقوق و صلاحیت در منطقه انحصاری اقتصادی»

<sup>۳</sup> بنگرید به ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها با عنوان «حقوق، صلاحیت و تکالیف دولت ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی»

<sup>۱</sup> بنگرید به ماده ۵۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها با عنوان «نظام حقوقی خاص منطقه انحصاری اقتصادی»



نخست، به خود آن تأسیسات بستگی دارد. مسایل دیگری هم در این رابطه وجود دارند که گه‌گاه دشواری‌هایی را سبب‌ساز می‌شوند، مانند این‌که شناورها را به دلیل کوچکی‌شان نمی‌توان به سادگی پیدا نمود تا جمع‌آوری شوند، یا این‌که آیا تأسیسات با اندازه بزرگ‌تر را برای جداسازی و برچیدن، باید به کنار ساحل منتقل نمود و یا در همان حالت محل استقرار، باید مبادرت به برچیدن آن نمود.

کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا این امر را در اختیار دولت ساحلی قرار می‌دهد که تصمیم بگیرد آیا تأسیسات تحقیقاتی باید پس از پایان کار جمع‌آوری و برچیده شوند یا خیر. بند ۳ ماده ۶۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا مقرر می‌دارد که دولت ساحلی در اتخاذ چنین تصمیمی، استانداردهای بین‌المللی مورد پذیرش عام دولت‌ها را مدنظر خواهد گرفت. رهنمودهای جمع‌آوری تأسیسات، محدودیتی را بر اختیار دولت ساحلی در این خصوص وارد نمی‌کنند، بلکه فقط معیاری را برای تصمیم‌گیری پیرامون این‌که آیا تأسیسات مورد نظر باید برچیده شود یا خیر، در اختیار او قرار می‌دهد، بی‌آن‌که بگوید چه اقداماتی برای ایمنی دریانوردی باید صورت گیرند.<sup>۳</sup> با توجه به موارد ذکر شده به نظر می‌رسد ماده ۱۴ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران با کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا مطابقت دارد اما کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا از برخی جهات از جامعیت بیشتری برخوردار است.

#### ۴-۲ فلات قاره

ماده ۷۷ (بند ۱) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا به دولت ساحلی «حقوق حاکمیتی با هدف اکتشاف فلات قاره، از جمله لبه بیرونی آن و بهره‌برداری از منابع طبیعی آن» اعطا می‌نماید. این حقوق «از این حیث انحصاری هستند که اگر دولت ساحلی مبادرت به اکتشاف فلات قاره ننماید یا منابع طبیعی موجود در آن را مورد

حیث قلمداد نمود که اختیار دولت ساحلی در ایجاد قواعد مدیریت، کنترل، و اجرای قوانین و مقررات در چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا در این منطقه، اختیاری انحصاری است. اما با یک مقایسه با ماده ۷۷ (بند ۲) درخواستیم یافت که صلاحیت باید به‌طور آشکار تعیین یابد؛ بدین معنی که یک پروژه تحقیقاتی را نمی‌توان به انجام رساند مگر این‌که دولت ساحلی نخست، منطقه انحصاری اقتصادی خود را مورد ادعا و مطالبه قرار داده باشد، و در ضمن، قوانین و مقررات مربوط به اجرای صلاحیت موضوع ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا را که در بخش سیزدهم این کنوانسیون آمده است، مهیا نموده باشد. به‌طور خاص، ایجاد یک آیین رضایت‌دهی آن‌طور که در ماده ۲۴۶ (بند ۳) آمده است، پیش‌شرط اعمال قانونی و مشروع صلاحیت توسط دولت ساحلی است.<sup>۱</sup> در منطقه انحصاری اقتصادی، صلاحیت دولت ساحلی در ماده ۵۶ (بند ۱) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا مندرج گردیده است، و به این دولت صلاحیت «ایجاد و کاربرد جزایر مصنوعی، تأسیسات و سازه‌ها» را اعطا می‌نماید (Gavouneli, 2007). البته اعمال این صلاحیت به صراحت مقید به سایر مقررات مربوطه در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا شده است. پاراگراف (ب) بند ۱ ماده ۶۰ سخن از «حق انحصاری ساخت و اجازه و تنظیم مقررات مربوط به ساخت و اجرا و استفاده از تأسیسات و بناها» به میان می‌آورد، اما اعمال این حق را به دامنه شمول ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا محدود می‌سازد. افزون بر این، بند ۱ پاراگراف (ج) ماده ۶۰ اشاره به اعمال حقوق دولت ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی دارد. در مقررات داخلی ایران نیز «آیین‌نامه احداث و استفاده از تأسیسات در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران در خلیج فارس و دریای عمان» کمابیش از همین رویکرد پیروی نموده است.<sup>۲</sup>

بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، تنها در بند (د) ماده ۲۴۸، به مقوله جمع‌آوری تأسیسات و تجهیزات اشاره می‌کند. دولت تحقیق‌کننده باید اطلاعاتی را راجع به جمع‌آوری تأسیسات یا بناها، ضمن درخواست اخذ رضایت، به دولت ساحلی ارائه دهد. امکان و کیفیت جمع‌آوری تأسیسات، در وهله

<sup>۱</sup> بنگرید به بند ۳ ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در باب «تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره»

<sup>۲</sup> برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به متن کامل «آیین‌نامه احداث و استفاده از تأسیسات در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران در خلیج فارس و دریای عمان» مصوب آذرماه ۱۳۷۵ هیئت وزیران، روزنامه رسمی کشور شماره ۱۵۴۹۷ مورخ (انتشار) ۱۳۷۷/۲/۲۴.

<sup>۳</sup> در اینجا لازم است اشاره‌ای به مقررات داخلی کشورمان در این زمینه داشته باشیم. ماده ۱۳ «آیین‌نامه احداث و استفاده از تأسیسات در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران در خلیج فارس و دریای عمان» در این زمینه مقرر می‌دارد که به منظور تأمین ایمنی مسیرهای کشتیرانی و حفظ سلامت محیط زیست، مالکین تأسیسات و مستحذات موضوع ماده (۲) این آیین‌نامه مکلف می‌باشند چنانچه این تأسیسات مورد نیاز نباشند و یا غیرقابل استفاده شوند، تمامی این تأسیسات را از مناطق دریایی موضوع این آیین‌نامه منتقل کنند و مراتب را پیش از شروع عملیات انتقال به اطلاع وزارت راه و ترابری (سازمان بنادر کشتیرانی) برسانند تا موضوع به سازمان بین‌المللی دریانوردی اعلام گردد. همچنین مطابق ماده ۱۴ این آیین‌نامه ضوابط و شرایط انتقال تأسیسات و سکوها نفعی که مورد نیاز و یا مورد استفاده نباشند، توسط وزارت نفت (شرکت ملی نفت ایران) با توجه به قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان بین‌المللی دریانوردی تهیه خواهد شد و پس از موافقت وزارت راه و ترابری (سازمان بنادر و کشتیرانی) به اجرا درخواهد آمد.

## ۲-۵. فعالیت کاوش و تحقیقات علمی

به موجب ماده ۵۶ (بند ۱، پاراگراف ب، شق دوم) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، دولت ساحلی صلاحیت مربوط به تحقیقات علمی دریایی را در منطقه انحصاری اقتصادی داراست. مقرر می‌شود که در این ماده را می‌توان به‌عنوان تابعی از حق حاکمیتی دولت ساحلی در اکتشاف و بهره‌برداری منابع مقرر در ماده ۵۶ (بند ۱، پاراگراف الف) قلمداد نمود؛ بدین‌معنا که نگرانی دولت‌های ساحلی درباره منابع «شان» هسته اصلی و محوری رژیم منطقه انحصاری اقتصادی به‌شمار می‌رود. صلاحیت نسبت به فعالیت‌های تحقیقاتی لازم بود که به درون محیط دولت ساحلی وارد شود، بدین دلیل که یک رشد غیرقابل کنترل آگاهی علمی این احتمال و خطر را داشت که به ضرر دولت ساحلی نسبت به منابع آن دولت مورد استفاده قرار گیرد. به علاوه، از آنجایی که کوشش‌ها در جریان مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریا برای معرفی یک حد فاصل و وجه ممیزه میان تحقیقات علمی و اکتشاف ناکام ماند، چاره‌ای باقی‌نماند جز این که تمامی تحقیقات باید با محدودیت مواجه می‌شدند.

بر اساس ماده ۱۷ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران «انجام هرگونه فعالیت جهت دستیابی به اشیا مغروق، کاوش و تحقیقات علمی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره منوط به اجازه مقامات ذیربط ایران می‌باشد.» در رابطه با تحقیقات علمی، ماده ۲۴۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا به‌نظر می‌رسد «حق انحصاری تنظیم مقررات، اجازه و انجام تحقیقات علمی دریایی» را نتیجه حاکمیت دولت ساحلی محسوب می‌کند. ماده ۲۴۶ کنوانسیون حقوق پیش‌گفته را به دولت ساحلی اعطا می‌نماید و سخن از «اعمال صلاحیت» می‌راند. «انحصاری» بودن «صلاحیت دولت ساحلی کمابیش در ماده ۵۶ (بند ۲) ترسیم شده است. برطبق این ماده «دولت ساحلی در اعمال صلاحیت خود مکلف به توجه مقتضی<sup>۳</sup> به حقوق و تکالیف سایر دولت‌ها است». در مقام اعمال حقوق حاکمیتی مانند دریای سرزمینی دولت‌های ساحلی تنها مقید به رژیم عبور بی‌ضرر هستند. اما آن‌گاه که در مقام اعمال صلاحیت برطبق مواد ۵۶ (بند ۱ پاراگراف ب)) و ۲۴۶ (بند ۱) هستند، محدودیت‌ها و قیود دیگری هم بر آنها وارد می‌شود (مدنی، ۱۳۹۲، د).

استخراج و بهره‌برداری قرار ندهد، هیچ کس دیگر حق انجام فعالیت‌های مزبور را بدون رضایت صریح دولت ساحلی ندارد.<sup>۱</sup> بند ۷ ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا این امر را تضمین می‌نماید که «مقررات پاراگراف ۶ (درخصوص امتداد فلات قاره در ماورای حد ۲۰۰ مایل دریایی، که بدان فلات قاره «بیرونی»<sup>۲</sup> اطلاق می‌شود، هیچ خدشه‌ای به حقوق دولت‌های ساحلی بر فلات قاره وفق ماده ۷۷ کنوانسیون وارد نخواهد ساخت» (Soons, 1982).

ماده ۷۹ کنوانسیون به سایر دولت‌های اجازه داده است تا به شرط رعایت اقدامات مربوط به حقوق اکتشافات و بهره‌برداری و سایر شرایط معقول در محدوده فلات قاره دولت ساحلی در زیر دریا اقدام به کابل کشی و لوله گذاری کنند. طبیعی است که دولت ساحلی برای حفظ حق اکتشاف، بهره‌برداری و سایر شرایط معقول و حفظ ایمنی در منطقه نسبت به وضع قوانین در این مورد اقدام کند. از طرفی بر اساس ماده ۱۵ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران «حاکمیت و صلاحیت ایران نسبت به فلات قاره که دنباله طبیعی قلمرو خشکی و شامل بستر و زیر بستر مناطق دریایی مجاور و ماورای دریای سرزمینی ایران می‌باشد نیز طبق مفاد ماده (۱۴) بر حسب مورد اعمال می‌گردد.» بنابراین با توجه به موارد فوق ماده ۱۵ قانون مصوب مجلس با متن کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا مطابقت دارد.

از آنجایی که براساس ماده ۸۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، دریاهای آزاد برای اهداف صلح‌جویانه حفظ خواهند شد، با توجه به ماده ۱۶ قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران «انجام فعالیت‌ها و تمرین‌های نظامی بیگانه جمع‌آوری اطلاعات و هرگونه عملی که با منافع و حقوق ایران در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره منافات داشته باشد ممنوع است.» بنابراین ایران می‌تواند با استناد به این که اقدامات مذکور موجب به خطر افتادن امنیت و مخل نظم و آرامش این کشور است مراتب اعتراض خود را اعلام کند و بنابراین آن‌ها را ممنوع سازد. پس اقدام و مبادرت به تمرینات نظامی توسط شناورهای فرا منطقه ای ناقض مقررات داخلی بوده و طبعا اینگونه اقدامات قابل اعتراض می‌باشد. همانگونه که پیش از این گفته شد تصویب قانون مناطق دریایی ایران واکنش سیاسی و حقوقی برخی دولت‌ها از جمله آمریکا را به دنبال داشته است.

<sup>۱</sup> بنگرید به بند ۲ ماده ۷۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در باب «حقوق کشور ساحلی بر فلات قاره».

<sup>۲</sup> Outer continental shelf

<sup>۳</sup> Due regard

صلاحیت دار یا کنفرانس های عمومی دیپلماتیک ایجاد شده اند وضع نمایند. بنابراین اعمال اقدامات لازم جهت موارد مندرج در این ماده با کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا مطابقت دارد.

### ۳. نتیجه‌گیری

با وجود این‌که ایران عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا نیست اما قانون مناطق دریایی این کشور، مانند برخی دیگر از دولت‌های غیرعضو با الگوی این کنوانسیون تهیه شده است و قانون مزبور در بسیاری از مقررات، سازگاری کامل با مفاد کنوانسیون مزبور دارد. وضعیت در مورد بسیاری از قوانین دریایی دولت غیرعضو دیگر یعنی ایالات متحده امریکا نیز به همین ترتیب است. با توجه به عدم عضویت ما در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریا بررسی و واکاوی سازگاری یا عدم سازگاری مفاد قانون مناطق دریایی ج.ا. ایران در خلیج فارس و دریای عمان در ابعاد گوناگون از جمله تحقیقات علمی دریایی، حفاظت از محیط زیست دریایی، و حتی اکتشاف و استخراج منابع، به عنوان سندی حقوقی و تأثیرگذار در مناطق دریایی کشورمان در خلیج فارس و دریای عمان، با موازین حقوق بین‌الملل دریا به‌ویژه کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریا، به دلیل گستره کمابیش جهان شمول آن و پذیرش پرشمار و عضویت نزدیک به ۹۰٪ از دولت‌های عضو ملل متحد در آن از بعد حقوقی بین‌المللی، نمایان‌گر جایگاه حقوقی کشورمان در عرصه حقوق بین‌الملل دریا و سطح سازگاری آن با ترتیبات و استانداردهای حقوقی بین‌المللی در این زمینه خواهد بود. قانون مناطق دریایی ج.ا. ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲ به نظر می‌رسد مهم‌ترین تجلی اراده قانون‌گذار در زمینه موازین و مقررات حقوق دریا در آب‌های کشورمان در خلیج فارس و دریای عمان باشد که واجد اوصاف بین‌المللی است. به بیان دیگر، در این قانون اراده قانونگذار در تکوین و تدوین این قانون، نهایتاً منجر به ایجاد چارچوبی شده است که روابط حقوقی کشورمان را با سایر کشورها در این مناطق دریایی در عرصه بین‌المللی تنظیم و نهادینه نموده است. شایان ذکر است که پس از تصویب این قانون، وفق تکلیفی که در خود آن بر عهده هیئت وزیران نهاده شده است، آیین‌نامه‌های مرتبط با چندین مقررره موجود در این قانون نیز تنظیم و به تصویب رسیده‌اند که برای مطالعه دقیق این قانون رجوع بدان‌ها ضروری می‌نماید.

این محدودیت‌ها درخصوص تحقیقات علمی دریایی به‌طور عمده در بند ۳ ماده ۲۴۶ لحاظ شده‌اند، که بیان‌گر شرایط عادی اعطای رضایت توسط دولت ساحلی به دولت تحقیق‌کننده است. البته شرایط مزبور در مقررره ماده ۲۴۶ (بند ۳) تکمیلی است. از این‌رو، دولت‌های ساحلی برای اعمال صلاحیت‌شان مطابق با ماده ۲۴۶ (بند ۱) مکلف به معرفی ترتیباتی هستند که «در شرایط عادی» به اعطای رضایت نسبت به درخواست‌های تحقیقات منجر شود. البته، ممکن است این استدلال مطرح شود که دولتی که مدعی منطقه انحصاری اقتصادی است، یکی از دو راه ذیل را باید برگزیند: یا تکلیف به تنظیم مقررات راجع به تحقیقات علمی دریایی (یعنی در وهله نخست، باید مقررات و آیین‌های منطبق با بند ۳ ماده ۲۴۶ را تنظیم و وضع نماید)، یا در غیر این صورت، مکلف است انجام تحقیقات علمی دریایی را در منطقه انحصاری اقتصادی خود مجاز دارد (مدنی، ۱۳۹۲ ه.).

ماده ۱۷ قانون مناطق دریایی ج.ا. ایران درباب فعالیت، کاوش و تحقیقات علمی، ادبیات موسع برگرفته از مفاد بند ۲ ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا است و در این بند از ماده پیش‌گفته تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره با رضایت کشور ساحلی انجام خواهند شد و بنابراین تمامی انواع فعالیت‌های با هدف دستیابی به اشیای غرق‌شده، کاوش و تحقیقات علمی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره را موکول به اجازه مقامات ذیربط ایران می‌نماید.

در گفتمان حفظ محیط زیست و منابع طبیعی نیز که موضوع اختصاصی بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریا ۱۹۸۲ بشمار می‌رود، قانون مناطق دریایی ج.ا. ایران در ماده ۱۸ خود بیان می‌کند که «دولت ایران جهت حفاظت و حمایت از محیط زیست دریایی و استفاده مطلوب از منابع جاندار و سایر ذخایر منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره اقدامات لازم را معمول خواهد داشت.» کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا در مقابله با آلودگی دریایی بنا را بر اقدامات پیشگیرانه نهاده و مقرراتی را در مورد وظیفه کشورها برای اعلام خطر قریب الوقوع آلودگی، توسعه طرح‌های مراقبتی، مراقبت در برابر خطرات آلودگی و آموزش و همکاری وضع نموده است، بر مبنای بند ۵ ماده ۲۱۱ کشورهای ساحلی می‌توانند در ارتباط با مناطق انحصاری اقتصادی خود قوانین و مقررات لازم را برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی از کشتی‌ها، در انطباق و با تأثیر بخشیدن به قواعد و استانداردهای بین‌المللی پذیرفته شده عمومی که از طریق سازمان‌های بین‌المللی

دریا از جمله مقررات کنوانسیون حقوق دریا سازگار است و تضاد بارزی با آن ندارد. به دیگر سخن، عمده تفاوت‌هایی که در مقایسه تطبیقی این قانون با مفاد کنوانسیون حقوق دریا ۱۹۸۲ قابل مشاهده است، آن‌چنان که در بدنه مقاله آمد، دایر بر اندراج جزئیات بیشتر، بومی‌سازی پاره‌ای مقررات معین با توجه به شرایط کشور، نیز در برخی موارد ملحوظ داشتن مقرراتی - حسب مورد- سخت‌گیرانه‌تر یا در مواردی سهل‌گیرانه‌تر، و در نهایت گسترش دامنه اجرایی برخی مفاد کنوانسیون در قانون مناطق دریایی است. هرچند، امید است تا با رفع دغدغه‌های موجود کشورمان از اندک موارد مندرج در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، بستری فراهم آید تا دولت ایران بتواند به عضویت این مهم‌ترین سند حقوقی بین‌المللی در عرصه دریا و اقیانوس‌ها درآید. به دیگر سخن، با توجه به شمار دولت‌هایی که در عضویت کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا درآمده‌اند و نیز دولت‌هایی که طبق اعلام نهادهای مربوطه‌شان مسیر الحاق را طی می‌کنند، به نظر می‌رسد در مدت زمان نه چندان طولانی، کنوانسیون جهانشمول خواهد شد و با بدل‌شدن مفاد آن به قواعد عرفی، منصرف از عضویت یا عدم عضویت یک کشور در آن، بدان ملتزم خواهد شد. از این رو، بهتر آن است تا پیش از وقوع چنین رخدادی، با رفع دغدغه‌های پیش‌گفته، به نحوی حساب‌شده و دقیق به این سند موسوم به قانون اساسی دریاها و اقیانوس‌ها پیوندیم.

#### ۴. سپاسگزاری

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «سازگاری قانون مناطق دریایی ج. ا. ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲ با موازین حقوق بین‌الملل دریاها» به شماره مصوب «۰۶-۱۳-۳۹۱» است که با حمایت پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی به انجام رسیده است. نویسنده مقاله بر خود فرض می‌داند که از زحمات سرکار خانم سعیده خالقی قوشه‌بلاغ پژوهشگر در زمینه علوم انسانی دریا قدردانی نماید.

#### منابع

ضیائی بیگدلی، م.، ۱۳۸۴. حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش، چاپ بیست و سوم، ۶۲۴ صفحه.

به عنوان دلیل مهمی دال بر سازگاری کلی قانون مناطق دریایی کشورمان در خلیج فارس و دریای عمان با موازین امروزی حقوق بین‌الملل دریا می‌توان به این واقعیت اشاره کرد که مفاد قابل توجهی از قانون مناطق دریایی ج.ا. ایران در خلیج فارس و دریای عمان به‌طور کامل، به‌طور جزئی یا به‌صورت تحت‌اللفظی از کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا اقتباس گردیده است. در باب تغییرات توسیعی و یا تضییقی برخی مفادی که از کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا استخراج می‌شوند این نکته را باید افزود که همواره این‌طور نیست که دولت ساحلی بتواند به میزان دلخواه و متناسب با منافعش مقررات پیش‌گفته را برای اندراج در قوانین داخلی خود تغییر دهد. به بیان دیگر، دست کم حقوق بین‌الملل عام و التزامات قراردادی و عرفی که آن دولت بدان پایبند است از جمله ترتیباتی هستند که در این راستا برای دولت محدودیت ایجاد می‌کنند. از سوی دیگر، در مواردی هم که تعهداتی از نوع مذکور به‌طور صریح و روشن وجود ندارند، دولت می‌تواند از سازکار تفسیر برای (حسب مورد) توسیع و تضییق مفاد مدنظرش بهره جوید.

در زمینه تحقیقات علمی دریایی که مورد مذاقه این پژوهش هم قرار گرفت برخی صاحب‌نظران بر این باورند که دولت ساحلی نمی‌تواند پایین‌تر از آستانه مقرر در ماده ۲۴۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا برود؛ بدین معنا که نمی‌تواند فعالیت‌هایی را که در کنوانسیون در زمره «تحقیقات علمی دریایی» قلمداد نشده‌اند را مستثنی سازد و آن‌ها را در زمره تحقیقات علمی دریایی به شمار آورده و به‌طبع، نظام مقرر در مواد ۱۹ و ۲۴۵ کنوانسیون در دریای سرزمینی را بر آن دسته فعالیت‌ها، مانند اقیانوس‌شناسی عملیاتی، نیز اعمال کند. این ادعا به نظر درست نمی‌رسد آن هم به‌طور عمده به دو دلیل؛ نخست، این‌که در هیچ‌کجای کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا به صراحت ذکر نشده است که اقیانوس‌شناسی عملیاتی در زمره تحقیقات علمی دریایی نیست، و دوم این‌که، عدم اعمال کنترل و نظارت توسط دولت ساحلی بر هرگونه فعالیت تحقیقاتی، از جمله اقیانوس‌شناسی عملیاتی، برای دولت ساحلی می‌تواند به مانند تهدیدی در قبال منافع امنیتی و اقتصادی‌اش به‌شمار رود.

آن‌چنان که می‌توان هم از متن و منطوق مفاد قانون مناطق کشورمان در خلیج فارس و دریای عمان ملاحظه کرد، این موارد جملگی نشانگر آن است که قانون مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان تا حد زیادی با تحولات حقوق بین‌الملل

بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۱۱، صفحات ۳۰-۵.

Gavouneli, M., 2007. Functional jurisdiction in the law of the Sea, Martinus Nijhoff, 285P.

Kelly, P., 2007. Marine science and policy, in Nordquist, Myron, et. al., Law, Science and Ocean Management, Martinus Nijhoff, 439- 457.

Long, R., 2007. Marine science capacity building and technology transfer: Rights and Duties Go Hand in Hand Under the 1982 UNCLOS, in M. H. Nordquist and Others, editors, Law, Science and Ocean Management, Martinus Nijhoff, 299-311PP.

Nordquist, M., 2002a. editor, United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982: A Commentary, Volume II, Dordrecht, Articles 1 to 85, Annexes I and II, and Final Act, Annex II.

Nordquist, M., 2002b. Rosenne, S. and Yankov, A., editors, United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982: A Commentary, Articles 192 to 278, Final Act, Annex VI, Volume IV, Dordrecht.

Pedrozo, R., 2010. Preserving Navigational Rights and Freedoms: The Rights to Conduct Military Activities in China's Exclusive Economic Zone, Chinese Journal of International Law.

Reisman, W.M., 2004. International Law in Contemporary Perspective, Foundation Press.

Soons, A., 1982. Marine scientific research and the law of the sea, T.M.C. Asser Institute.

مدنی، س.، ۱۳۹۱. محورهای ارتباطی میان تحقیقات علمی دریایی و مقوله حفاظت از محیط زیست دریایی: یک واکاوی حقوقی بین-المللی، نشریه اقیانوس شناسی، شماره ۱۱، دوره ۳، ۹۹-۹۱.

مدنی، س.، ۱۳۹۲ الف. حقوق بین‌الملل دریاها و تحقیقات علمی دریایی، پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی و علوم جوی، تهران، ۶۲۷ صفحه.

مدنی، س.، ۱۳۹۲ ب. پیامدهای رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها بر علوم دریایی، نشریه اقیانوس شناسی، شماره ۱۳، دوره ۴، ۷۲-۶۱.

مدنی، س.، ۱۳۹۲ ج. رژیم حقوقی بین‌المللی ناظر بر تأسیسات تحقیقاتی ثابت و متحرک دریایی در حقوق بین‌الملل دریاها، مجله علوم و فنون دریایی، دوره ۱۲، شماره ۲، ۸۰-۶۶.

مدنی، س.، ۱۳۹۲ د. محدوده جغرافیایی رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در مناطق دریایی بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها، نشریه اقیانوس شناسی، دوره ۴، شماره ۱۶، ۱۲۳-۱۰۹.

مدنی، س.، ۱۳۹۲ ه. تنوع در راهکار یا پیچیدگی در ساختار: روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی حادث در نتیجه انجام فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها، مجله علوم و فنون دریایی، دوره ۱۲، شماره ۲، صفحات ۸۰-۶۶.

متین‌دفتری، ا.، ۱۳۸۷. سیر تحول حقوق بین‌الملل دریایی: از گروسیوس تا کنفرانس‌های ژنو، تهران: گنج‌دانش، ۳۹۷ صفحه.

ممتاز، ج.؛ رنجبریان، ا.، ۱۳۷۵. تفسیر دوگانه از کنوانسیون حقوق دریاها؛ قانون مناطق دریایی ایران و اعتراض امریکا، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۳۵، صفحات ۸۹-۱۱۴.

ممتاز، ج.، ۱۳۶۸. حمایت و توسعه محیط زیست دریایی خلیج فارس و دریای عمان، دو فصلنامه حقوقی بین‌المللی، مرکز امور حقوقی

